

SUMMARIES OF MAIN ARTICLES

Rüdiger Schmitt

**The Iranian Languages. An Introduction in Five Parts.
Part One: The Term, an Overview, and the Prehistory
of the Iranian Languages**

This first instalment of a five-part series starts with a discussion of the term "Iranian languages", which is not related to the modern name of the Iranian state, but is rather based on an old ethnic concept going back to the self-designation of the "Aryan" or "Indo-Iranian" tribes. The article further provides a succinct survey of the Iranian languages and of the three periods of their textual sources in ancient, medieval and Islamic times, and on the basis of the word for "brother" it illustrates the connections as well as the differences between them.

The term "Iranian languages" coming from historical linguistics is defined firstly by means of an enumeration of several linguistic phenomena typical of the "Indo-Iranian" protolanguage common to the Iranian and the Indo-Aryan dialects, and in the second place by listing a number of divergent features of each of the two language groups. Within that common source there may be recognized also many common, inherited traditions. The original Indo-Iranian people which spoke this protolanguage presumably had settled in the steppes of Eastern Iran and Central Asia and in the countries to the north, from where first the future Indo-Aryans and only later the Iranian tribes moved on.

In the course of time a number of clearly different languages and dialects has developed from the rather uniform Proto-Iranian language. The decisive phonological changes, which are attested already in the Old Iranian period in the Avestan and the Old Persian sources and which run through the entire further development of the Iranian languages in later times, are again made clear by illustrative examples.

The remaining four parts of this series on the Iranian languages are planned to appear, from now on, in every second number of SPEKTRUM IRAN, so that the publication of the entire series will be accomplished by the end of 1997.

Almuth Degener

Hunters' Beliefs in Nuristan

The Nuristanis, an Indo-European people closely related to Iranians and Indians, live in narrow V-shaped valleys in NE Afghanistan. Traditionally they subsist on agriculture and stock-breeding, besides they collect fruit etc. from the forest and go hunting. Their favourite game are ibex and markhor. In Nuristani hunters' stories, the ibexes appear as cattle of the mountain fairies. Only those ibexes which have previously been slaughtered and consumed by the fairies may be hunted by humans. After their meal, the fairies throw the animal's bones back into the hide. The ibex, thus revived, is sent away in order to be killed by a human hunter. Similar beliefs are widespread and were until recently current among hunters in SW Iran.

Mohammad Djavād Ṭabāṭabāʾi

The Social Ethics of Abū ʿAlī Aḥmad (ibn) Miskawayh

Abū ʿAlī Aḥmad (ibn) Miskawayh (d. 421/1030) was one of the Iranian intellectuals of the Buyid period, writing in the Arabic language, who were known to have practised both philosophy and history with equal competence and a resolve to embark on the most complex socio-ethical reflections. His "Treatise on ethics" (*Tahḍīb al-aḥlāq wa-taʿrīf al-aʿrāq*) very clearly reveals wisdom traditions of Greek, Iranian, and Arab origins which Miskawayh must have been thoroughly familiar with as demonstrated in his compilation "Eternal Wisdom" (*Al-Ḥikma al-ḥālida*) or, with its Persian title, *Djavidān herad*. This anthology represents a kind of *Fürstenspiegel* (for the use of the Buyid Shiite ruler) the exact genre of which is first attested in a work, no longer extant, of Abū ʿUtmān al-Djahīz (d. 255/868). It must have contained sayings and maxims of ancient sages and poets. An old tradition claims that Hushang, the mythical king of times past, produced it for the admonition of his sons and successors. After a long period of concealment, so the legend goes, it was discovered under mysterious circumstances. However, it seems obvious that a good portion of the ideas expressed in the "Eternal Wisdom" goes back to the original thought of Miskawayh. This moral anthology, and all the more Miskawayh's "Treatise on ethics", are of great socio-ethical interest. In them, a firm conviction is expressed that among all the nations, intelligen-

ces concur in following the same way, and neither differ according to the countries involved nor change with the elapsing of time. The essential thesis of the present essay is that a balance of ethical theory and practice as well as of politics and ethics was established by Miskawayh and his socio-ethical ideas. This "middle course", however, was rather short-lived, for when the Sunnite Seldjukides gained power over the Middle East, the distinction between ethical theory and practise was cemented and individual ethics began to prevail anew.

خلاصه مقالات

رودیگر اشمیت*

زبانهای ایرانی. مقدمه‌ای در پنج قسمت

قسمت اول: نامگذاری، نگاهی اجمالی، دوران ماقبل تاریخ

این مجموعه از مقالات که بخش نخست آن در این دفتر عرضه می‌گردد، کوشش می‌کند مقدمه‌ای بر زبانهای ایرانی ارایه کند. این زبانها به خانوادهٔ زبانهای هند و اروپایی تعلق دارند، به عبارت دقیق‌تر این زبانها با زبانهای هند و آریایی شبه قاره هند خویشاوندند. امروز علاوه بر جمهوری اسلامی ایران، در افغانستان، پاکستان، جمهوری‌های تازه استقلال یافتهٔ ماوراء قفقاز و آسیای میانهٔ شوروی سابق و چند سرزمین دیگر از مشرق‌زمین به این زبانها تکلم می‌شود. در زمانهای دور، شاخه‌های مختلف زبان ایرانی در قلمروی بسیار گسترده‌تر از امروز از ساحل غربی دریای سیاه تا شمال مغولستان و مرزهای چین باستان، رواج داشت.

بخش نخست حاوی مقدمه‌ای است بر نام "زبانهای ایرانی" که ارتباطی بی‌واسطه با نام جدید کشور ایران ندارد، بلکه مبتنی بر مفهوم قومی کهن ایران است، که از نامگذاری مأثور "آریایی" یعنی شاخه‌های هند و ایرانی حکایت می‌کند. برای بیان سمتگیری مندرجات این مجموعهٔ مقالات، سپس نگاهی کاملاً اجمالی به زبانهای ایرانی، مراحل مختلف تطور و انتقال این زبانها، افکنده می‌شود: مرحلهٔ تطور زبان ایران باستان از استعمال منابع خطی تا قرن ۳ و ۴ پیش از میلاد مسیح، مرحلهٔ تطور زبان ایرانی میانه که حدوداً از سقوط حکومت هخامنشی آغاز و به تسخیر ایران توسط اعراب ختم می‌شود و بالاخره مرحلهٔ تطور زبان نوایرانی از قرن هشتم و نهم. خویشاوندی تکوینی زبانهای ایرانی در عین تنوع و اختلافشان در اشکال مأثور، در واژه "برادر" خود را به تصویر می‌کشد.

از آنجایی که مفهوم "زبانهای ایرانی" از علم زبان‌شناسی تاریخی مایه می‌گیرد، سپس تعاریفی زبان‌شناسانه ارایه می‌گردد، که در وهلهٔ اول چند پدیدار زبانی را انسجام می‌بخشد که بیانگر مشخصه‌های زبانهای "هند و ایرانی" و به عبارت دیگر مراحل مقدماتی مشترک زبانهای ایرانی و هندی است، و پس از آن تطبیقاً نشان داده می‌شود که وجه تمایز زبانهای ایرانی و هند و آریایی در چیست. در اینجا

آشکار می‌شود که زبانهای ایرانی نیز در مقایسه با زبان هند و آریایی متضمن عناصری چند از پدیدارهای بسیار کهن است.

منابع مشترک زبانهای ایرانی و هند و آریایی، "آریایی بس کهن" می‌بایست از طریق علم زبان‌شناسی مقایسه‌ای - تاریخی بازسازی شود، این امر این امکان را پدید می‌آورد که نگاهی به دوران ماقبل تاریخ زبانهای ایرانی افکنده شود. در کنار آن نیز می‌بایست سنن مشترک، مآثور، تصورات و عادات، همچنین قالبها و شیوه‌های بیان اشکال زبان شعری دانسته شود. ملتی که تا آغاز قرن دوم پیش از میلاد مسیح حامل این خصائص آریایی بس کهن بود، شاید در کمربند جلگه‌ای شرق ایران و آسیای مرکزی و نیز بخش شمالی آن زندگی می‌کرده است. و از آنجا در وهله اول هند و آریائیهای متأخر دوباره کوچیدند، و سپس تحت فشارهایی که یکی پس از دیگری می‌آمد، شاخه‌های ایرانی که تا آغاز قرن نهم پیش از میلاد مسیح، از آنها مادها و پارسها در منطقه غربی ایران پدید آمدند. آثار و منابع خطی گواه این امر است.

از "زبان ایرانی" بس کهن که در ابتدا متحد بود، در گذر زمان، پیشتر از شواهد متنی کهن، زبانها و لهجه‌هایی که متفاوتند، پدید آمد. تغییرات قاطعی که در هر دو زبان ایرانی کهن یعنی اوستایی و فارسی کهن در تطور تاریخی تلفظ اظهار و نمایان می‌گردد و نیز تغییراتی که دیگر تحولات بعدی زبان را در می‌نوردد، با ارایه مثالهایی به تصویر کشیده شده است.

*آقای پروفیسور دکتر اشمیت، صاحب کرسی تدریس "علم زبان شناسی تطبیقی زبانهای هندواروپایی و هندوایرانی" در دانشگاه ساربروکن و متخصص در نام‌شناسی ایران باستان و کتیبه‌های هخامنشی است. وی گردآورنده و نیز مؤلف بخشی از کتاب نفیس و غنی "مرجع زبانهای ایرانی" Compendium Linguarum Iranicarum است. در این مجموعه پژوهشگرانی نام‌آور مقدمه‌ای مبتنی بر علم زبان‌شناسی بر زبانهای باستانی و میانه و نوایرانی عرضه کرده‌اند.

این مجموعه پنج قسمتی در باره زبانهای مختلف ایرانی اعم از زبانهای خاموش و رایج، که اختصاصاً برای "اشپکتروم ایران" نگاشته شده است، تلخیصی ساده شده از مرجع فوق‌الذکر است و مقصود آن این است که نتایج پژوهشهای ایران‌شناسی مبتنی بر علم زبان‌شناسی را در حیطه گسترده‌تری در دسترس علاقه‌مندان جوان قرار دهد. تتمه این مجموعه مقالات از این شماره به بعد به صورت یک در میان در اشپکتروم ایران منتشر می‌شود به گونه‌ای که این مجموعه در پایان سال ۱۹۹۷ به پایان خواهد رسید.

آلموت دگنر*

آئین شکارچیان در نورستان

مردم نورستان که در مناطق کوهستانی شمال شرق افغانستان در دره‌های عمیقی که به شکل ۷ می‌باشند زندگی می‌کنند، به نژاد هند و اروپایی و راسته هند و ایرانی تعلق دارند. مردم نورستان سنتاً زندگی خود را از طریق کشاورزی و گله‌داری می‌گذرانند که در صورت نیاز از امکانات شکار حیوانات و جمع‌آوری میوه‌های وحشی هم استفاده می‌کنند، بزکوهی محبوبترین شکار آنها است. در حکایاتی که شکارچیان تعریف می‌کنند، بزکوهی را جزو حیوانات اهلی جن و پری‌ها به حساب می‌آورند. در این حکایتها گفته می‌شود که بزکوهی را انسان زمانی اجازه شکار دارد که قبلاً بتوسط یک جن شکار شده و خورده شده باشد. زنده شدن دوباره بزکوهی هم به این طریق حکایت می‌شود که پس از خورده شدن، جنها استخوانهای بزها را دوباره در پوستشان می‌کنند و از این طریق دوباره بزهای کوهی زنده و راهی کوهستان می‌شوند. حکایاتی شبیه به این در بسیاری از مناطق دنیا رواج دارد و حتی تا مدتهایی نه چندان دور در جنوب غربی ایران هم شنیده می‌شد.

* خانم دکتر آلموت دگنر رساله دکتري خودش را در رشته ايران‌شناسي درباره پيشوندهای زبان ختنی نگاشته است، اکنون به عنوان استاد هندشناسی در دانشگاه ماینس به تدریس و تحقیق اشتغال دارد.

جواد طباطبایی

اخلاق اجتماعی ابن مسکویه*

ابن مسکویه که حدوداً در سالهای ۴۲۱-۳۳۰ هجری قمری می‌زیسته است، از جمله نوادر پارسیان عربی نویس دوران بویه است که از صلاحیتی یکسان در دو زمینه فلسفه و تاریخ‌نویسی برخوردار بود. تمایل اصلی ابن مسکویه در آثار فلسفی‌اش به اخلاق و به عبارت دقیقتر به اخلاق اجتماعی راجع می‌گردد. در رساله پژوهشی بزرگ وی تحت عنوان تهذیب الاخلاق و تأثیرالاعراق، آشکارا

سنن حکمی مأثور یونانی، ایرانی و عربی ملاحظه می‌شود. ابن مسکویه این سنتها را حتماً بخوبی می‌شناخته است؛ کَشکول وی تحت عنوان عربی الحکمه الخالده و تحت عنوان فارسی جاودان خرد این نکته را ثابت می‌کند. جاودان خرد نوعی از کتب "نصیحه الملوک" است، که برای امرای بویه نوشته شده است، و برای نخستین بار در یکی از آثار جاحظ که اکنون اثری از آن برجای نمانده است از آن یاد شده است، مشتمل است بر گفتارهایی از مواعظ و اشعار کهن. گفته شده است که چنین سنتی به هوشنگ شاه، شاه اسطوره‌ای ایران زمین بازمی‌گردد که احتمالاً آن را برای فرزندان و اخلافش تألیف کرده است. مطرح شدن دوباره این کتاب پس از یک غیبت طولانی حاکی از آن است که می‌بایست شرایط اسرارآمیز خاصی برای ظهور دوباره آن فراهم گردیده باشد. در حالی که ابن مسکویه در تألیف ایده‌های کتاب جاودان خرد درکنار دیگران سهم شایانی داشته است، اما دیگر اثر بزرگ وی یعنی تهذیب الاخلاق برآمده از علاقه‌ای مفرط به اخلاق اجتماعی است، در این کتاب بیان شده است که در میان همه ملل قطع نظر از ادوار و اکواری که در آن زیسته‌اند، عناصر مشترک از بینشها و دانشهای سیاسی و اجتماعی وجود دارد. نکته خاص اینکه در اخلاق اجتماعی ابن مسکویه نوعی تعادل و توازن میان سیاست و اخلاق پیدا آمده است. البته این راه میانه چندان دیری نپائید، با پیروزی سلاجقه که سنی مذهب بودند، جدایی میان نظر و عمل آغاز شد و با غلبه اخلاق فردی و تثبیت ریشه‌دار آن این رشته از اخلاق کنار زده شد.

*این مقاله که به قلم آقای دکتر جواد طباطبایی به رشته تحریر درآمده است، نخستین بار در مجله تحقیقات اسلامی منتشر شده است و پس از آن در قالب فصلی از کتاب زوال اندیشه سیاسی در ایران (تهران، کویر ۱۳۷۳) تدوین گردیده است. این مقاله توسط آقای پروفیسور سیف‌الدین نجم‌آبادی (هایدلبرگ) از فارسی به آلمانی ترجمه شده است و از این راه یک مقاله پژوهشی درباره ابن مسکویه را در اختیار علاقه‌مندان غربی، که درباره وی در غرب پژوهشهای بسیاری به انجام رسیده است، قرار می‌دهد.